



"Examining the Factors Influencing the Growth and Perfection of Human Character in Islamic Society: A Case Study of Salman al-Farsi"

Mohammad RezaAli¹ Sajad ImaniPour² Zahra Servati³

1. Master's student in Business Administration, Faculty of Islamic Studies and Management, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.

m.rezaali@isu.ac.ir

2. Doctoral student of culture and communication, art, media and virtual space, Imam Hossein University, Tehran, Iran (The corresponding author).

Sajad.ImaniPour@ihu.ac.ir

3. Student of the second level of seminary, Imam Hossein (a.s.) seminary, Tehran, Iran. zahra.servati9@gmail.com

DOI: 10.22034/iscw.2024.2043781.1105

*Original
Research*

Received:
2024-10-19

Accepted:
2024-11-17

Keywords:

Rushd,
Ta'ali,
Salman
Farsi,
Islamic
society,
Wilayat

Abstract: The growth and excellence of human personality is one of the key topics in the fields of humanities and Islamic studies, which is very important in Islamic societies. This research examines the historical identification of factors influencing the growth and excellence of human character in Islamic society through a case study of the life of Salman Farsi, one of the most prominent companions of the Prophet Muhammad (PBUH). Salman Farsi is regarded as a symbol of purity of soul, resilience, adherence to authority, faith, and morality in Islamic society. Historical analysis reveals how self-discipline, loyalty to authority, belief and commitment to religious teachings, and the social environment have impacted his personal and spiritual growth. This research employs library research methods and qualitative analytical biographical methods to explore the personality dimensions of Salman Farsi. It aims to provide a model for the growth and excellence of human character based on the life of Salman Farsi. In this research, the life of Salman is examined from psychological and spiritual, scientific, political-authoritative, and ethical dimensions, and the influential factors in shaping and perfecting his character are introduced as a successful example. Furthermore, it was concluded that purity of soul, Islamic self-discipline and education, a combination of altruism, truth-seeking, meeting the needs of others, compassion for the underprivileged, simplicity and asceticism, respect for scholars and jurisprudence, and above all, loyalty and obedience to the Infallible Ones lead to the highest level of human character growth and excellence.





بررسی عوامل مؤثر بر رشد و تعالی شخصیت انسان در جامعه

اسلامی: مورد مطالعه سلمان فارسی

محمد رضا علی^۱ سجاد ایمانی پور^۲ زهرا ثروتی^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران،

ایران. m.rezaali@isu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری فرهنگ و ارتباطات، هنر، رسانه و فضای مجازی، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران

(نویسنده مسئول). Sajad.ImaniPour@ihu.ac.ir

۳. دانش آموخته سطح دو حوزه علمیه، مدرسه علمیه امام حسین (ع)، تهران، ایران.

zahra.servati9@gmail.com

DOI: 10.22034/iscw.2024.2043781.1105

چکیده: رشد و تعالی شخصیت انسان از جمله موضوعات کلیدی در علوم

انسانی و اسلامی است که در جوامع اسلامی اهمیت بسزایی دارد. این پژوهش به بررسی تاریخی شناسایی عوامل مؤثر بر رشد و تعالی شخصیت انسان در جامعه اسلامی با مطالعه موردی زندگی سلمان فارسی، یکی از برجسته‌ترین یاران پیامبر اسلام (ص)، می‌پردازد. سلمان فارسی به‌عنوان نمادی از حقیقت‌جویی، پاکیزگی نفس، ولایت‌پذیری، ایمان و اخلاق در جامعه اسلامی و در طول تاریخ پرافتخار اسلام مورد توجه و الگوگیری قرار گرفته است. این پژوهش با روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و با روش کیفی سرگذشت‌نگاری تحلیلی به بررسی ابعاد شخصیتی سلمان فارسی پرداخته و سعی دارد با شناساندن نکات مهم و کلیدی زندگی ایشان در برهه‌های زمانی مختلف الگویی جهت رشد و تعالی شخصیت انسان‌ها بر اساس زندگی جناب سلمان فارسی ارائه دهد. در این پژوهش، زندگی جناب سلمان در ابعاد روانشناسی و ایمانی، علمی-سیاسی-ولایی و اخلاقی بررسی شده و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و تعالی شخصیت ایشان به‌عنوان یک نمونه‌ی موفق معرفی شده است. همچنین در پایان مشخص شد که حقیقت‌جویی، پاکیزگی نفس، تهذیب اسلامی، رفع نیاز دیگران و مردم‌داری، توجه به محرومان و اطعام نیازمندان، زهد و ساده‌زیستی، توجه به دانشمندان و فقاہت و از همه مهم‌تر ولایت و اطاعت از حضرات معصومین (ع) و صبوری در این مسیر، منجر به رشد و تعالی شخصیت انسان تا حد اعلی می‌شود.

صص:

۱۸۷-۲۱۲

مقاله

علمی پژوهشی

دریافت:

۱۴۰۳/۰۷/۲۸

پذیرش:

۱۴۰۳/ /

کلید واژه‌ها:

رشد،

تعالی،

سلمان فارسی،

جامعه اسلامی،

ولایت



۱. مقدمه و بیان مسئله

رشد و تعالی انسان‌ها یکی از مهم‌ترین مفاهیم در علوم انسانی و اجتماعی است که به معنای ارتقاء سطح دانش، اخلاق و توانمندی‌های فردی و اجتماعی می‌باشد. این مفهوم همواره در مکاتب مختلف فلسفی، مذهبی و روان‌شناسی مطرح بوده و می‌تواند به‌عنوان هدفی اساسی در زندگی انسان‌ها در نظر گرفته شود. رشد نه تنها به توسعه فردی و اجتماعی کمک می‌کند، بلکه پایه‌گذار پیشرفت جوامع و تمدن‌ها نیز می‌باشد (امین ناجی، ۱۳۹۶). از دیدگاه فلسفی، رشد و تعالی انسان‌ها به معنای رسیدن به مراحل بالاتر از آگاهی و شناخت است. فلاسفه‌ای همچون افلاطون و ارسطو معتقد بودند که رشد اخلاقی و فکری انسان‌ها باعث نزدیک‌تر شدن به حقیقت و فضیلت می‌شود. این دیدگاه در مکاتب فلسفی معاصر نیز مورد توجه است، به‌ویژه در حوزه اخلاقیات و توسعه فردی (Özkan, 2020).

اما از دیدگاه دینی و با رویکردهای مذهبی خصوصاً اسلامی به روانشناسی، رشد و تعالی انسان‌ها در مسیر تقوا، فضیلت و نزدیکی به خداوند معنا پیدا می‌کند. ادیان مختلف از جمله اسلام و مسیحیت بر ضرورت رشد معنوی و اخلاقی برای رسیدن به زندگی پرمعنا و سعادت‌آمیز تأکید دارند. در اسلام نیز رشد انسان‌ها مورد توجه ویژه بوده است. کما این‌که در آیات متعددی از قرآن کریم (مانند آیات شریفه ۱، ۲، ۱۰ و ۲۱ سوره جن و آیه ۱۷ سوره کهف) از این واژه و کلمات هم‌خانواده آن استفاده شده است. رشد در لغت به معنای هدایت، نجات، صلاح و کمال است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ه. ق: ۳۵۴).

در این پژوهش سعی شده است تا جهت دستیابی به عوامل مؤثر بر رشد و تعالی شخصیت انسان در شأن فردی خود و البته ناظر به زندگی در جوامع اسلامی از شخصیت جناب سلمان فارسی به‌عنوان یکی از نمونه‌ترین اصحاب پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله) کمک گرفته شود. ایشان از درجه و رتبه‌ی خاصی در صدر اسلام برخوردار بودند و با وجود اینکه در زمره معصومین نبودند، چنان مورد تکریم پیامبر اکرم (ص) بودند که ایشان در حق سلمان فرمودند: «سلمانٌ منّا اهل‌البیت» و نیز فرمودند: «سلمانٌ منّی» (بصیری و شفیعی، ۱۳۹۱).

در راستای وصول به هدف و پاسخ سؤالات پژوهش از روش سرگذشت نگاری به‌عنوان یکی از روش‌های کیفی در شناخت زندگی گذشتگان و استخراج مفاهیم از آن‌ها استفاده شده است. همچنین در این پژوهش با روش جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای به جمع‌آوری کامل و دقیق منابع موجود در حیطه‌ی زندگی جناب سلمان پرداخته شده است. بدین منظور در این پژوهش به سؤال ذیل به‌عنوان سؤال اصلی پژوهش پرداخته و تلاش شده است با استعانت از سیره‌ی جناب سلمان فارسی به‌عنوان الگویی ایرانی در صدر اسلام به آن پاسخ داده شود:

ابعاد و عوامل مؤثر بر رشد و تعالی شخصیت انسان در جوامع اسلامی با الگوگیری از سلمان فارسی چیست؟

۲. مرور پیشینه

در پژوهشی که رسولیان و همکاران (۱۳۹۹) انجام داده‌اند، نقش عوامل و موانع فردی در رشد و تعالی انسان مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس آموزه‌های قرآن و روایات اسلامی (به‌عنوان نمونه آیه ۷ سوره مبارکه حجرات یا آیه ۳۹ سوره مبارکه غافر که مورد استناد پژوهشگران بوده‌اند)، انسان به‌عنوان موجودی دوبعدی که از جنبه‌های مادی و معنوی برخوردار است نیازمند مسیری است که او را به سعادت و کمال نهایی برساند.

قرآن کریم نه‌تنها راه‌های رشد و تعالی انسان را بیان کرده، بلکه موانع رشد را نیز معرفی نموده است؛ که نمونه‌ای از آن در آیه ۱۴۶ سوره اعراف قابل‌ملاحظه است. در تحقیق انجام‌شده، پنج دسته از عوامل رشد فردی از منظر قرآن شامل ایمان، عمل صالح، علم و معرفت، تقوا و عبودیت شناسایی شده‌اند که هر یک نقش مهمی در پیشبرد فرد به‌سوی کمال دارند. از سوی دیگر، موانع رشد نیز در ده دسته مشخص شده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به غفلت، وسوسه شیطانی، میل و هوای نفسانی و دنیاگرایی اشاره کرد.

در پژوهشی مشابه جعفرزاده (۱۴۰۰) به مطالعه در مورد تکامل و رشد انسان با تأکید بر دو بعد انسان یعنی ابعاد جسمانی و معنوی از منظر قرآن پرداخته است. در قرآن کریم، رشد معنوی انسان به‌عنوان یکی از اهداف اصلی خلقت او شناخته شده است. این رشد، از طریق عواملی همچون ایمان، علم، تقوا، عمل صالح و

اخلاص به دست می‌آید. این پژوهش نشان می‌دهد که این عوامل می‌توانند به فرد کمک کنند تا از وسوسه‌های نفسانی، غفلت و دنیاگرایی عبور کند و به سمت کمال نهایی و قرب الهی حرکت کند. در این مسیر، نقش پیامبران به‌عنوان الگوهای رشد و کمال به‌شدت مورد تأکید قرار گرفته است، به‌طوری‌که پیروی از آموزه‌های آن‌ها انسان را به سعادت نهایی می‌رساند.

در پژوهشی دیگر باطنی و همکاران (۱۴۰۱) به بررسی مبانی تربیتی و تعالی انسان در گفتمان امام حسین (ع) و واقعه عاشورا به‌عنوان یک مکتب جامع تربیتی پرداختند. این مطالعه، بر اساس تحلیل محتوای نامه‌ها، خطبه‌ها و گفت‌وگوهای امام حسین (ع)، مدلی تربیتی را ارائه داده است که هدف اصلی آن دستیابی به کمال انسانی و قرب الهی است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، اصولی چون ایمان، صبر، پایداری در مسیر حق، جهاد در برابر ظلم و عبودیت به‌عنوان مبانی تربیتی عاشورا مطرح شده‌اند. این اصول به دنبال تربیت انسان‌هایی هستند که علاوه بر رشد فردی، نقش اساسی در بهبود جامعه ایفا می‌کنند. همچنین، ارزش‌هایی همچون توکل، عزت‌نفس و مقابله با دنیاطلبی از نکات کلیدی در سیره امام حسین (ع) و یارانشان به‌شمار می‌آیند.

در جایی دیگر صفوی و همکاران (۱۳۹۶) با بررسی بنیان‌های رشد انسان بر اساس سخنان حضرت علی (ع)، به تحلیل و تبیین دیدگاه‌های ایشان درباره رشد فردی و اجتماعی می‌پردازد. در این پژوهش، یافته‌ها نشان می‌دهد که اصول اساسی برای رشد انسان از دیدگاه امیرالمؤمنین علی (ع) شامل توحیدمحوری، راهنمایدیری، عقل‌گرایی، وحدت‌گرایی، اقتصادپیشگی و نگرستن به دنیا با چشم عبرت هستند. از نظر حضرت علی (ع)، رشد انسان مبتنی بر یکتاپرستی و پرهیز از شرک است و بر این اساس توحید به‌عنوان اصلی‌ترین بنیان رشد معرفی شده است. مهدی دخت و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی به بررسی شاخص‌های تأثیرگذار بر رشد مطلوب انسان در ادعیه و نیایش‌های صحیفه سجاده‌یه پرداخته‌اند. در این مطالعه، مؤلفه‌های کلیدی نظیر ایمان، اخلاص، عبودیت و استغفار، به‌عنوان پایه‌های رشد و تعالی فردی معرفی شده‌اند. همچنین امام سجاد (ع) به مفاهیم جامع‌تری چون ستایش پروردگار، علم، انگیزه صحیح، ذکر و بهره‌برداری از

فرصت‌های معنوی همچون ماه رمضان تأکید کرده‌اند. این پژوهش نتیجه می‌گیرد که این مؤلفه‌ها، به همراه برنامه‌ریزی صحیح و توفیق الهی، نقش اساسی در رشد متعالی انسان و نزدیک شدن او به قرب الهی ایفا می‌کنند.

پژوهش‌های مذکور، بر مؤلفه‌های رشد و تعالی در وجود آدمی متمرکز بوده‌اند اما از طرف دیگر، برخی پژوهش‌ها نیز به زندگانی و اوصاف حضرت سلمان پرداخته‌اند. از آن جمله می‌توان به پژوهش خطیبی کوشک (۱۳۹۰) و پژوهش عالمیان و منتظری مقدم (۱۳۹۷) اشاره کرد. این دو پژوهش تمرکز بر شیوه‌های مدیریتی و ابتکارات نظامی حضرت سلمان داشته‌اند و از رهگذر بیان تاریخ و اوصاف آن حضرت، به اهداف خود نائل آمده‌اند.

همچنین در پژوهشی دیگر از مهدوی (۱۳۸۶) ممیزات و ویژگی‌های ممتاز علمی و فرهنگی سلمان فارسی مورد بحث قرار گرفته است. این پژوهش تاریخی به اقدامات آن حضرت در حوزه ه‌های تفسیر و ترجمه قرآن کریم، حدیث، فقه، عرفان، شعر و مدیریت پرداخته است.

بعضی پژوهش‌ها نیز بر نقش حضرت سلمان در شکل‌گیری و ترویج تفکر شیعی خصوصاً در ایران و منطقه مدائن که عهده‌دار حکومت آن بوده‌اند، پرداخته‌اند. از جمله این آثار می‌توان به پژوهش سلیمانی آشتیانی (۱۳۹۰) اشاره کرد.

اما آنچه پژوهش حاضر را متمایز می‌کند بهره‌مندی از سیره یکی از اصحاب جلیل‌القدر رسول اکرم (ص) به‌عنوان الگویی کم‌نظیر برای رشد و تعالی روحی مبتنی بر منابع تاریخی است که مؤیدشان و مقام و جایگاه والای ایشان همان روایت شریف پیامبر اکرم (ص) است که فرمودند: سلمانُ منّا اهل‌البیت و همین امر موجب آن می‌شود که این شخصیت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین الگوهای تاریخ بشری مورد مطالعه قرار گیرد. پژوهش‌های پیشینی، با صبغه رشد و تعالی، عمدتاً مبتنی بر سیره حضرات معصومین (ع) یا آیات قرآن کریم و یا معارف و آموزه‌های ادعیه ماثور داشته‌اند؛ اما پژوهش حاضر با بررسی ابعاد شخصیتی جناب سلمان فارسی که می‌توان او را به‌عنوان یک انسان متعالی و رشد یافته اخلاقی و معنوی شناخت، اوصاف و ویژگی‌های ایشان را که برای رشد و تعالی فردی و اجتماعی لازم است، احصاء کرده تا بتواند در کنار دیگر پژوهش‌های صورت گرفته، راهنمایی برای

ره‌جویان و ره‌پویان طریق تعالی باشد. همچنین در مقایسه با پژوهش‌های انجام‌شده در مورد شخصیت حضرت سلمان، این پژوهش با بهره‌مندی از اطلاعات خام تاریخی و با گذر از ارائه صرف اطلاعات اولیه در مورد شخصیت ایشان، از منظر تربیتی به مؤلفه‌های تعالی‌بخش در وجود مبارک ایشان پرداخته و سعی در ارائه الگویی مبتنی بر این مؤلفه‌ها داشته است حال آنکه پژوهش‌های پیشینی در این زمینه عمدتاً نگاهی خام و صرفاً تاریخی به زندگی مبارک جناب سلمان داشته‌اند.

۳. ادبیات نظری

از منظر روان‌شناسی، رشد و تعالی افراد نه‌تنها به جنبه‌های شناختی بلکه به جنبه‌های عاطفی و اجتماعی نیز توجه دارد. برای مثال نظریه‌های روان‌شناسی انسان‌گرا مانند نظریه خودشکوفایی^۱ آبراهام مازلو بر اهمیت رشد در دستیابی به بهترین نسخه از شخصیت خود تأکید دارد. طبق این نظریه انسان‌ها نیازهایی دارند و پس از تأمین نیازهای اولیه‌شان به سمت شکوفایی استعدادها و تحقق کامل پتانسیل‌های خود حرکت می‌کنند. این نیازها عبارت‌اند از نیازهای جسمانی، ایمنی، اجتماعی، نیاز به احترام و عزت‌نفس و خودشکوفایی (Maslow, 1943). همچنین او، از دستیابی به بالاترین ظرفیت‌های انسانی و ارتقاء معنوی به‌عنوان یکی از مراحل بالای هرم نیازهای انسانی یاد کرده است (Haque, 2018).

اما در دیدگاه اسلامی رشد که به معنای شایستگی اداره، نگهداری و بهره‌برداری از سرمایه‌ها و امکانات معنوی و مادی تعریف شده است، در حقیقت به معنای رسیدن به مرتبه‌ای است که لیاقت مدیریت سرمایه‌های معنوی و مادی برای انسان فراهم شود. لذا اولین رشدی که لازم است انسان از آن بهره‌مند شود، رشد فردی، شخصی و اخلاقی است (مطهری، ۱۳۸۲: ۱۳۳-۱۳۲). البته رشد دارای شئون مختلفی نظیر رشد فردی و اجتماع است که هرکدام خود به ساحات گوناگونی نظیر رشد اقتصادی، سیاسی و... تقسیم می‌شوند. ذکر این نکته نیز قابل‌توجه است که رشد اجتماعی متفاوت از رشد اجتماع است که اولی صفتی

1. Self-Actualization Theory

ناظر به فرد است و دومی از اوصاف یک اجتماع یا جامعه که حیطة بررسی آن از شخص خارج می‌شود (مطهری، ۱۳۷۷: ۲۰۰).

جوامع اسلامی به دلیل تأکید بر ارزش‌های دینی و معنوی، بستری مناسب برای رشد شخصیت فراهم می‌کنند. در راستای این پژوهش لازم است که سه مبحث رشد و تعالی انسان به‌طور عام، جامعه اسلامی به‌عنوان محیط و بستر رشد و جناب سلمان فارسی به‌عنوان الگوی پژوهش، مورد بحث و بررسی دقیق‌تر قرار گیرد.

۱-۳. رشد و تعالی انسان

انسان به دلیل دارا بودن فطرت الهی، همواره به دنبال حقیقت بوده و هیچ‌گاه نیاز به حقیقت در او نمی‌میرد. روح انسان که همیشگی و ابدی است، وجه تمایز او با هر موجود و جانوری به حساب می‌آید و می‌تواند آن قدر به دنبال خداخواهی برود که ذوب در ذات الهی شود؛ اما انسان گرچه از ابتدا به‌صورت بالقوه توانایی رشد و تعالی را دارد ولی جهت بالفعل شدن این توانایی‌ها، بایستی تمامی آموزه‌های قرآنی را بیاموزد. خداوند در قرآن می‌فرماید: «الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ. خَلَقَ الْإِنْسَانَ. عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» (الرحمن، آیات ۴-۱) طبق سیاق این آیات ابتدا خداوند قرآن که وسیله‌ی رشد و تعالی انسان است را خلق کرده و سپس انسانی که به‌صورت بالقوه توانایی رشد دارد را می‌آفریند. اگر قلب و جان انسان با تعالیم و بیان قرآن مانوس شود، اسباب خروج انسانیت از قوه به فعل فراهم می‌شود و تمام اعمال و رفتار به رشد کامل و هدفمند خواهد رسید. (جوادی آملی، ۱۳۸۵) بر این اساس عمل به قرآن انسان را به تعالی می‌رساند و توجه به این نکته ضروری است که در قرآن توصیه به عمل بر اساس شریعت نبوی و ولایت علوی که همان عمل صالح است، شده است (نوروزی و کوهی اصفهانی، ۱۳۹۲). عمل صالح در حقیقت شناخت ولایت حضرات معصومین و پذیرش و عمل به آن است.^۱ چنان‌که مطابق روایت امام باقر (ع) اگر شخصی، به ولایت ایمان نداشته باشد، هیچ‌یک از اعمال او مقبول درگاه حضرت

۱. سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ: «فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَ لَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» قَالَ: «الْعَمَلُ الصَّالِحُ الْمَعْرِفَةُ بِالْإِئْمَةِ» وَ ... (تفسیر العیاشی، ج ۲: ۳۵۳)

حق قرار نمی‌گیرد.^۱ همچنین طبق روایات متواتر، ولایت حضرات معصومین که همان ولایت الهی است^۲، منجر به شناخت و عبادت پروردگار می‌شود.^۳ لذا آنچه در رشد و تعالی انسان در نگاه اسلامی به‌عنوان محور و اصل شناخته می‌شود، ولایت ائمه هدی است.

۲-۳. جامعه اسلامی

جامعه اسلامی به‌عنوان جامعه‌ای که بر اساس دستورات الهی و قوانین شریعت اسلامی بنا شده است، مفهومی فراتر از یک جامعه انسانی عادی دارد. هدف اصلی جامعه اسلامی هدایت انسان‌ها به سوی سعادت دنیوی و اخروی بر اساس اصول اسلام، قوانین و احکام الهی است. در این جامعه، تمام جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی تحت نظارت قوانین الهی قرار دارند و همه فعالیت‌ها به دنبال تحقق معنویت و عدالت الهی هستند. ویژگی‌های مهم چنین جامعه‌ای عبارت‌اند از:

توحید و خدامحوری: در جامعه اسلامی، خداوند در رأس تمامی امور قرار دارد و قوانین جامعه بر اساس دستورات الهی شکل می‌گیرد (جهان پرور، ۱۴۰۰).^۴

علم محوری: علم در دین مبین اسلام و در جوامع اسلامی دارای جایگاهی ویژه است چنان‌که در روایات متعددی امر به کسب علم شده است. از آن جمله می‌توان به روایت شریفه‌ای از حضرت رسول اکرم (ص) اشاره کرد که فرموده‌اند: *طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ* (مجلسی، ج ۶۷: ۶۸). همچنین در آیات ۱۰۷ و ۱۰۸ سوره اسراء به تأثیر علم بر ایمان و خضوع در برابر خداوند متعال به‌عنوان اصلی‌ترین بنیان معارف دینی و جامعه اسلامی اشاره شده است. لذا می‌توان علم محوری را از ویژگی‌های بارز جوامع اسلامی دانست.

۱. ... لَوْ أَنَّ رَجُلًا قَامَ لَيْلَةً وَ صَامَ نَهَارَهُ وَ تَصَدَّقَ بِجَمِيعِ مَالِهِ وَ حَجَّ جَمِيعَ ذَهْرِهِ وَ لَمْ يَعْرِفْ وَ لَآيَةً وَ لِيَّ اللَّهُ فَيُؤَالِيَهُ وَ يَكُونُ جَمِيعُ أَعْمَالِهِ بِدَلَالَتِهِ إِلَيْهِ مَا كَانَ لَهُ عَلَى اللَّهِ جَلٌّ وَ عَزَّ حَقٌّ فِي تَوَابِهِ وَ لَأَكَانَ مِنْ أَهْلِ الْإِيمَانِ... (الكافی، ج ۲: ۱۸)

۲. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ وَ لَآيَتُنَا وَ لَآيَةُ اللَّهِ الَّتِي لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا بِهَا (الكافی، ج ۱: ۴۳۷)

۳. أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: بِنَا عِبْدِ اللَّهِ وَ بِنَا عَرَفِ اللَّهَ وَ بِنَا وَحَدَّ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ مُحَمَّدٌ جَبَابُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى (الكافی، ج ۱: ۱۴۵)

ولایت مداری: ولایت اصلی‌ترین آموزه‌ی دین مبین اسلام است لذا جامعه اسلامی باید بر پایه پیروی از ولایت و رهبری دینی باشد تا آموزه‌های اسلامی بتوانند در آن ظهور پیدا کنند. علاوه بر آن، ولایتمداری، تضمین‌کننده امنیت، پایداری جامعه و شرط پذیرش اعمال است. پیروی از امامان و معصومین به‌عنوان نمایندگان خداوند، یکی از اصول کلیدی جامعه اسلامی است (خارستانی و سیفی، ۱۳۹۳).

رعایت اخلاق اسلامی: یکی دیگر از ویژگی‌های جامعه اسلامی، رعایت اصول اخلاقی و معنوی است. این جامعه به ارزش‌های اخلاقی مانند عزت‌نفس، تواضع و پرهیز از ظلم تأکید دارد (دهسار، ۱۴۰۰).^۱

۳-۳. سلمان فارسی

سلمان فارسی که پیش از اسلام نام دیگری داشته است و مشهورترین نام‌های مذکور برای او پیش از اسلام «روزبه» است، یکی از شخصیت‌های مهم در تاریخ اسلام است. او در قریه «جی» در نزدیکی اصفهان یا در «رامهرمز» به دنیا آمد و نام پدرش بدخشان یا فروخ بن مهیار بوده است (ابن ابی الحدید، ج ۱۸: ۳۷ و مجلسی، ج ۲۲: ۳۵۵ و ۳۶۲). پدر او از دهقانان بزرگ قبیله بود. (مهدوی، ۱۳۸۶: ۱۲۰) گرچه تاریخ ولادت او برای تاریخ‌نگاران محل ابهام بوده است، ولی مدت عمر او را بین ۲۵۰ تا ۳۵۰ سال نوشته‌اند (خطیبی کوشکک، ۱۳۹۰: ۳۶). سلمان در دوران جوانی در جستجوی حقیقت بود به‌گونه‌ای که خود نقل می‌کند: «در آیین مجوس زحمت زیادی کشیدم و همواره مراقب آتشی بودم که می‌افروختیم و نمی‌گذاشتیم خاموش شود. پدرم باغی داشت. روزی مرا به آنجا فرستاد. در راه به کلیسای مسیحیان رسیدم. صدای دعا و نیایش آن‌ها مرا مجذوب ساخت. برای آگاهی بیشتر به داخل رفتم. با مشاهده مراسم آنان به خودم گفتم: این دین از آیین ما برتر است» (مجلسی، ج ۱۸: ۳۶۶-۳۶۲). در نتیجه او به این دین گرایش یافت و مسیر خود را از خانواده جدا کرد. تلاش‌های پدرش برای بازگرداندن او به

آیین آتش‌پرستی نتیجه‌ای نداشت و روزبه درنهایت تصمیم گرفت به دنبال آموزه‌های بیشتر بار سفر بیندد.

او از شام، انطاکیه، حلب، اسکندریه، موصل، نصیبین و غموریه گذر کرد تا اینکه در مسیر خود، به بردگی گرفته شد و درنهایت در حجاز به‌عنوان برده فروخته شد. او سپس دوران بردگی را در قبیله یهودی بنی قریظه در یثرب سپری کرد و درنهایت پس از ملاقات با حضرت رسول با عقد قرارداد آزادی و کاشت سیصد درخت نخل، آزاد شد و اسلام آورد (مجلسی، ج ۲۲: ۳۶۲) و پس از آن حضرت رسول، نام سلمان را برای او برمی‌گزینند^۱ (فیض کاشانی، ج ۲۶: ۳۹۸).

اسلام آوردن سلمان نقطه عطفی در زندگی او بود که او را به یکی از یاران نزدیک پیامبر اسلام و نمادی از استقامت، ایمان و اخلاق تبدیل کرد. وی چون بسیاری از اولیای الهی و مؤمنان و موحدان، درعین‌حالی که در روزگار مجوسیت و مسیحیت می‌زیسته و به‌حسب ظاهر به کلیسا هم می‌رفته، آیین حنیف ابراهیمی (ص) و توحیدی داشته و هرگز وجودش را به شرک و انحراف نیالوده است. همان‌گونه که در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است که: «سلمان پیوسته بنده‌ی صالح و خالص و تسلیم در برابر خداوند بود و هیچ‌گاه به وادی شرک و انحراف وارد نشده است» (مجلسی، ج ۲۲: ۳۲۷ و طوسی: ۸۳).

سلمان پس از اسلام آوردن، با خانمی به نام «بقیره» از طایفه بنی‌کنده ازدواج کرد که حاصل آن پسری به نام عبدالله و پنج دختر بود (شوشتری، ۱۳۹۸: ۴۲۲). او بعدها در دوره خلیفه دوم، پس از حذیفه بن یمان به حکومت مدائن رسید. مدائن مجموعه‌ای از هفت شهر نزدیک به یکدیگر بود که در شش فرسخی بغداد و در کناره رود دجله قرار داشت و پس از فتح قادسیه توسط سعد بن ابی وقاص فتح شد (حموی، ج ۵: ۷۵-۷۴). سلمان فارسی درنهایت در مدائن در هشتم صفر سال ۳۵ یا ۳۶ هجری قمری از دنیا رفت (بغدادی، ج ۱: ۱۷۱).

۱. فأعتقني رسول الله صلى الله عليه وآله فسماني سلمانا

۴. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ فلسفه یک پژوهش تفسیری، از لحاظ رویکرد یک پژوهش استقرایی، از لحاظ استراتژی پژوهش یک مطالعه‌ی کیفی و با راهبرد مطالعات آرشیوی و تاریخی، از نظر بازه زمانی یک مطالعه‌ی طولی و چند مقطعی بوده و در بحث شیوه‌های جمع‌آوری اطلاعات از روش فیش‌برداری و بررسی اسناد و مدارک استفاده شده است.

در این پژوهش موضوع مورد بحث از طریق روش کیفی سرگذشت‌نگاری (زندگی‌نامه‌نگاری یا سرگذشت‌پژوهی) تحلیل و بررسی شده است. در این راستا لازم است زندگی حضرت سلمان به‌طور دقیق مورد بررسی قرار گیرد و نقاط عطف زندگی ایشان که باعث شده در زمره‌ی نزدیک‌ترین افراد به اهل بیت (ع) قرار گیرد، شناسایی و به‌عنوان نتیجه و الگویی برای انسان‌ها ارائه شود.

سرگذشت‌نگاری^۱ یا سرگذشت‌پژوهی یکی از روش‌های پژوهش کیفی است که به مطالعه زندگی‌نامه افراد یا گروه‌ها پرداخته و درنهایت تحلیل، تفسیر یا گزارشی مفید و قابل استفاده در راستای هدف مدنظر ارائه می‌دهد. این روش شامل ثبت و تحلیل تجربه‌ها، خاطرات و داستان‌های زندگی افراد است (Roberts, 2002). در همین راستا روش پژوهش حاضر، روش سرگذشت‌نگاری تحلیلی و تبیینی است. این نوع از سرگذشت‌نگاری حالتی است که طی آن محققین درصدد پاسخ‌گویی به چرایی رفتارها و افکار شخصیت مورد مطالعه هستند و درنهایت الگویی تحلیلی از رفتارهای شخصیت مدنظر استخراج می‌شود (Denzin, 1989). همچنین سعی شده است در تمام پژوهش، ارائه‌ای شیوا و جذاب وجود داشته باشد. اگر بهترین داده‌ها در سرگذشت‌نگاری به‌صورت جذاب و شیوا منتقل نشود، پژوهشگر نتیجه‌ی مطلوبی را کسب نخواهد کرد (آزبورن و همکاران، ۱۳۹۲).

روش سرگذشت‌نگاری به پژوهشگران کمک می‌کند تا تجربیات و معارف و حقایق زندگی گذشتگان را کشف و گزارش کنند. لذا برای فهم و شناخت گذشتگان که امکان درک حضوری و زیست با ایشان وجود ندارد و عملاً در ظاهر

درک ایشان غیرقابل امکان است، از این روش استفاده می‌گردد تا محققان بتوانند با غلبه بر نیروی زمان و مکان، از سبک و سیره‌ی الگوهای تاریخ جهت دستیابی به هدف پژوهش خود استفاده کنند (ملائتی توانی، ۱۳۹۰). در این پژوهش جهت افزایش اعتبار بررسی‌های انجام‌شده، تلاش شده است از منابع دست‌اول استفاده شود.

۵. تحلیل یافته‌ها

عنوان مهمی که می‌تواند عظمت معنوی و کیان شخصیتی جناب سلمان را بیان کند، اعتراف بسیار عمیق و پرمعنایی است که پیامبر و امامان (ع) بارها آن را درباره‌ی این پارسی ممتاز و برگزیده اعلام داشته‌اند. رسول خدا (ص) در موارد فراوان و به مناسبت‌های مختلف او را از اهل بیت دانسته‌اند و همچنین در مواردی از لفظ «سَلْمَانُ مَنِّي» استفاده کرده‌اند.^۱ برای اینکه عظمت و مفهوم بلند این بیان پیامبر (ص) نسبت به سلمان بهتر درک شود، دو توضیح زیر را موردتوجه قرار می‌دهیم:

الف) رسول گرامی اسلام (ص) فقط عنوان «از من است» را به چند نفر از عزیزان محبوب و نزدیکان خاص خویش داده است:

۱. درباره‌ی امام علی (ع) فرمودند: «عَلِيُّ مَنِّي وَ أَنَا مِنْ عَلِيٍّ...» علی (ع) از من است و من هم از علی هستم (صدوق، ۱۳۹۰، ج ۱: ۶۵۹).

۲. درباره‌ی حضرت فاطمه (س) فرمودند: «إِنَّ فَاطِمَةَ مَنِّي» (حر عاملی، ج ۲۰: ۲۳۲) یا «فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مَنِّي» (مجلسی، ج ۳۰: ۳۵۳).

۳. در مورد حضرت سیدالشهدا (ع) نیز رسول خدا (ص) فرموده: «حَسِينٌ مَنِّي وَ أَنَا مِنْ حَسِينٍ...» (مفید، ۱۳۷۶، ج ۲: ۱۲۷).

بنابراین سلمان فارسی در سایه‌ی ایمان و تقوا و فضائل اخلاقی به‌عنوان صحابی ممتاز پیغمبر (ص) دارای مقام بسیار والایی گردیده و خود را لایق آن گردانیده که

۱. ... إِنَّ سَلْمَانَ مَنِّي مَنْ جَفَاهُ فَقَدْ جَفَانِي وَ مَنْ آذَاهُ فَقَدْ آذَانِي وَ مَنْ بَاعَدَهُ فَقَدْ بَاعَدَنِي وَ مَنْ قَرَّبَهُ فَقَدْ قَرَّبَنِي... (بحارالانوار، ج ۲۲: ۳۴۶)

تعبیری در موردش بیان شود که تنها در مورد برخی حضرات معصومین (ع) بیان شده است.

ب) چگونه جناب سلمان از اهل بیت (ع) شمرده شده است؟

این موضوع تا حدی تعجب‌آمیز است که یک ایرانی در جامعه‌ی آن روز، با فاصله‌ی مکانی بسیار زیاد و در میان یاران پیامبر (ص) به این رتبه‌ی بلند دست یابد. ابن عربی می‌گوید: «چون محمد (ص) بنده‌ی مخلص و خالص خداوند بود، خداوند متعال آن حضرت و اهل بیت (ع) او را از هرگونه پلیدی و آلودگی مصون داشت و آیه تطهیر^۱ را در شأن آن‌ها نازل کرد؛ بنابراین از نظر قرآن کریم، اهل بیت پیامبر (ص) پاک و پاکیزه هستند و کسی نمی‌تواند به آنان اضافه و همراه گردد مگر آنکه پاک و وارسته باشد، زیرا کسی که به آنان اضافه می‌شود، با مضاف‌الیه باید شباهت و سنخیت داشته باشد و آنان هم کسی را به خود اضافه نمی‌کنند جز اینکه به طهارت و قداست او اذعان داشته باشند» (ابن عربی، ۱۴۰۲).

در نتیجه بیان «سلمان مئا اهل‌البیت» از سوی پیامبر (ص) گواهی و شهادت آن حضرت بر پاکی و طهارت جناب سلمان است؛ بنابراین اهل بیت (ع) به اعتراف صریح قرآن «پاکیزگان» هستند و سلمان هم بدون شک به آنان ملحق شده است؛ اما چه عواملی موجب شد که شخصیت جناب سلمان به آن حد از رشد و تعالی نائل شود که در زمره‌ی پاکیزه‌ترین افراد تاریخ قرار گیرد؟ برای پاسخ به این سؤال بایستی ابعاد شخصیتی جناب سلمان در زمینه‌های مختلف بررسی و شناسایی شده و ارائه گردد.

۵-۱. بعد روانشناسی و ایمانی جناب سلمان

شخصیت هر فرد شامل کل خصایص بدنی، ذهنی، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی، اعم از موروثی و اکتسابی، است که او را به‌طور آشکار از دیگران متمایز می‌کند. از جنبه‌ی روانشناسی، سلمان فارسی را باید از شخصیت‌های ممتاز و ماندگار تاریخ درخشان اسلام دانست. سلمان در زمان نوجوانی خویش در ایران، به خویشتن یابی خود پرداخت، استعدادهای ذاتی خود را مورد توجه قرار داد، خروش فطری و

درونی خود را به گوش جان شنید و برای پاسخ به این خروش و دست یافتن به استعداد‌های ذاتی خود که تکامل انسانی را در پی می‌داشت، سال‌های طولانی شهر به شهر و دیار به دیار، به‌حسب ظاهر از جامعه‌ی مجوسیت به عالم مسیحیت و سرانجام به آغوش جان‌نواز اسلام بار یافت (حاتمی و حاتمی، ۱۴۰۲). از خصایص بارز او می‌توان به دیگرخواهی سلمان اشاره کرد. او همواره به فکر دیگران بودن و برای رفع نیازمندی و گرفتاری آنان اقدام می‌نمود. امام صادق (ع) در پاسخ به سؤال علت تعظیم و تجلیل سلمان، توضیح دادند: «سلمان سه خصلت مهم داشت: ۱- خواسته‌ها و رضایت امیرالمؤمنین (ع) را بر هوای نفس و خواسته‌های خود مقدم می‌داشت. ۲- تهیدستان و نیازمندان را دوست می‌داشت و آنان را بر اهل ثروت و افراد متنفذ و قبیله دار مقدم می‌داشت. ۳- سلمان به علم و دانشمندان محبت و عشق می‌ورزید» (طوسی: ۱۳۳). مضاف بر این، درباره‌ی ایمان به خداوند و اطاعت سلمان از پیامبر (ص)، مقام او به‌جایی رسید که آن حضرت فرمود: «خداوند متعال به من دستور داد که چهار نفر را دوست بدارم و به من خبر داد که خود نیز آنان را دوست می‌دارد. سؤال شد آنان چه کسانی هستند؟ رسول خدا (ص) فرمود: آنان علی ابن ابی‌طالب (ع)، مقداد، سلمان فارسی و ابوذر غفاری هستند.» (امینی، ۱۳۹۹، ج ۹: ۱۱۷).

۵-۲. بعد علمی جناب سلمان

سلمان فارسی سال‌های طولانی زندگی خود را به سیر، سیاحت و تحقیق در اصول ادیان گذراند. او سال‌هایی از عمر خود را در ایران که مهد تمدن، فرهنگ و حکمت بود زندگی کرد؛ در سرزمین پهناور روم و شام که مهد علوم مختلف فلسفی بود تحقیق به عمل آورد؛ دوران معابد و کلیساها را در حضور راهبان و دانشمندان سپری کرد؛ و نهایتاً در سرزمین حجاز با دانشمندان مختلف هم‌نشین شد و معارف زیادی به دست آورد. همچنین او به زبان‌های گوناگون آن زمان مسلط بود (صادقی اردستانی، ۱۳۷۶: ۱۱۰). بدین جهات هنگامی که به دین اسلام روی آورد، سرآمد یاران رسول خدا (ص) محسوب می‌شد. در این زمینه حضرت علی (ع) در مورد سلمان می‌فرمایند: «سلمان فارسی مانند لقمان حکیم است» (مجلسی، ج ۲۲: ۳۹۱). همچنین در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: در اسلام مردی که

همچون سلمان فقیه‌تر از همه مردم باشد، وجود ندارد (علامه مامقانی، ج ۲: ۴۷). به‌علاوه در روایت دیگری آمده است که سلمان دریایی ژرف از علم و آگاه به علم اول و آخر و دانا به حوادث و وقایع است (مجلسی، ج ۲۲: ۳۴۷). اما در روایات مصادیق مختلفی از علم حضرت سلمان و اوصاف آن بیان شده است که می‌توان آن‌ها را در چند بخش، دسته‌بندی کرد:

۱-۲-۵. نور هدایت و قلب روشن

نورانیت الهی در قلب مؤمن توفیقی است که مؤمن را در بسیاری از مواقع روشن‌نگر مسائل قرار می‌دهد. این نورانیت از جانب خداوند متعال به افرادی که با تزکیه و تهذیب نفس، خود را لایق ساخته‌اند، افاضه می‌گردد. حضرت امام صادق (ع) به‌عنوان بصری فرمودند: «علم و دانش از راه آموزش به دست نمی‌آید، بلکه علم نوری است که خداوند در قلب کسی که بخواهد او را هدایت کند، قرار می‌دهد» (فیض کاشانی، ج ۱: ۱۰). همچنین حضرت رسول اکرم (ص) درباره سلمان فرموده‌اند: هر کس می‌خواهد به مردی نگاه کند که دلش روشن‌شده، به سلمان بنگرد (ابن عساکر، ۱۴۰۶ ه.ق، ج ۲۱: ۴۰۸) (طبرسی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۱۵۰). بر این اساس مشخص است که علم جناب سلمان از جانب خداوند متعال به‌موجب تزکیه و تهذیب نفس و حقیقت‌جویی، به ایشان هدیه داده شده است. به‌علاوه این سخن از رسول خدا (ص) که فرموده‌اند: «سلمان دریای علم است که نمی‌توان به عمق آن رسید» (مجلسی، ج ۲۲: ۳۴۷) مهر تأییدی بر مقام فوق‌العاده‌ی علمی سلمان است.

۵-۲-۲. هم رازی با رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)

به اعتراف بسیاری از مورخان، جناب سلمان از اصحاب اسرار رسول خدا (ص) بوده‌اند. این بزرگ‌مرد عارف، توانایی و ظرفیت این امر را داشته است که رسول خدا اسرار و علوم فوق‌العاده‌ای به او بیاموزد. پیامبر خدا (ص) می‌فرمایند: «علم و دانش سلمان، از علم و دانش من است. در قلب او علمی است که می‌تواند از وقایع و حوادث آینده آگاه گردد.» (کشی، ۱۴۰۰) همچنین نقل شده است که جناب سلمان محفل انس شبانه و ویژه با نبی مکرم داشت (ابن اثیر، ۱۴۳۳ ه.ق، ج ۲: ۳۳۱).

۵-۲-۳. فقاقت (علم به ناگفته‌های عالم)

با توجه به بیان امام صادق (ص) که فرمودند: «همانا سلمان آموزش دهنده، آگاه به اسامی الهی و معارف اعظم بوده است» (علیاری تبریزی، ۱۳۷۱)، می‌توان موضوع عالم بودن سلمان به اسم اعظم الهی را معتبر و ثابت دانست. روایتی دیگر از امام صادق (ع) نیز می‌تواند مؤید این امر باشد که می‌فرماید: رسول خدا (ص) و امیرالمؤمنین (ع) از اسراری که در نهان‌خانه علم الهی مخزون بود، به سلمان خبر می‌دادند که هیچ‌کس قدرت و تحمل شنیدن و درک آن اسرار را نداشت (مجلسی، ج ۱: ۶۴۶). این ارتباط معنوی عمیق، برای او سرچشمه بسیاری از دانایی‌ها در مورد اسرار غیبی و بیان وقایع پشت پرده بوده است.

۵-۲-۴. اتصال به علوم نافع

ابوالبختری روایت می‌کند: «سلمان به حذیفه بن یمان گفتند که دامنه‌ی علم و دانش وسیع است اما عمر انسان کوتاه؛ بنابراین علمی را بیاموز که در راه دین‌داری خود بدان احتیاج داری و به علوم دیگر توجه نداشته باش و آن‌ها را رها کن» (اصفهانی، ۱۳۸۷).

سلمان فارسی با تلاش و تزکیه نفس، ظرفیت وجودی خود را به حدی بالا برد که لیاقت پذیرش علوم الهی را پیدا کرد. این علوم که شامل حکمت و دانایی عمیق معنوی است، به هر فردی داده نمی‌شود و نیازمند تطهیر روح و قابلیت‌های خاص است. سلمان با پاک‌سازی درون و پیروی از اصول دین، شایسته دریافت این معارف شد، به طوری که نه تنها از همراهان نزدیک پیامبر اسلام بود، بلکه به عنوان فردی شناخته شد که علم و معرفت الهی را به طور ویژه از سوی خداوند دریافت کرده است.

۵-۳. بعد سیاسی و ولایی جناب سلمان

برای دستیابی به بینش سیاسی درست، به فرموده مقام معظم رهبری باید مانند خواص عمل کرد؛ یعنی باید در مورد مسائل مختلف جامعه، قدرت تجزیه و تحلیل داشت. همچنین باید مراقب بود که پیرو موج و جو حاکم بر جامعه نشد. باید اهل بصیرت بود و این حاصل نمی‌شود مگر در پناه قرآن و روایات و تهذیب نفس. وقتی شخصی اهل بصیرت شد، در برابر مسائل مختلف جامعه و اطراف ملاک محکمی

دارد. ملاک و معیار او حق است و همه چیز را با حق می‌سنجد و به موقع از حق حمایت می‌کند. او برای اینکه در این راه ثابت‌قدم باشد، مراقب است که گرفتار خودپرستی، جاه‌طلبی، مال‌پرستی و دنیاپرستی نشود (خامنه‌ای، ۱۴۰۲).^۱ خواص جامعه هنگامی که حجت و امام برحق زمان خویش را شناختند، حتی در تنهایی و غربت نیز از ایشان جدا نمی‌شوند. سلمان فارسی نیز بدین گونه عمل کرد. پس از وفات پیامبر اسلام (س) تنها ۴ نفر از اصحاب دعوت امیرالمؤمنین (ع) را لیبک گفتند که یکی از ایشان سلمان فارسی بود. (طبرسی، ۱۳۹۳) سلمان در این مسیر مخاطرات زیادی که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود را به جان خرید و تا آخر پشت ولایت ایستادگی کرد:

۵-۳-۱. خطابه حکیمانه و به موقع در دفاع از امامت علی (ع)

در روز سوم پس از وفات پیامبر (ص)، پیکر مطهر ایشان هنوز به خاک سپرده نشده بود و مسلمانان از مدینه و سایر مناطق برای ادای نماز بر پیکر ایشان گرد هم آمده بودند. درحالی که جوّ عمومی مدینه در سوگواری عمیقی به سر می‌برد، تحولات سیاسی در قیغه بنی ساعده به وقوع پیوست در این حال، سلمان فارسی سکوت را روا نداشت و با توجه به عهده‌ی که با رسول خدا (ص) بسته بود، در هر جمعی که حاضر می‌شد، ندای حق‌طلبی سر می‌داد و مردم را به شنیدن و تأمل در سخنان خود دعوت می‌کرد. بر اساس منابع تاریخی، سلمان در دفاع از حقانیت امامت حضرت علی (ع) می‌گفت: «أصبتُم و أخطاتم، سنّة الاولین و أخطاتم اهل‌البیت رسول‌الله (ص)» (کمره‌ای، ۱۳۵۱ و کشی، ج ۱: ۲۰ و طبرسی، ۱۳۹۳: ۲۹۴-۲۹۵) و به مردم هشدار داد که هیچ‌کس غیر از امام علی (ع) از اسرار نبوت مطلع نیست و ایشان علومی دارند که نزد هیچ‌کسی نباشد. (مفید، ۱۴۱۳ ه.ق: ۱۹۴) پس از ایشان دست بردارید زیرا که راهبران بهشت و خوانندگان به آن در روز قیامت‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۲: ۳۸۸).

۵-۳-۲. اقدام و معرفی علی بن ابی‌طالب (ع)

پس از رحلت رسول خدا (ص) عقده‌های پنهان چرکین از حضرت علی (ع) سر باز کرد و به غارت حق امامت علی (ع) انجامید. گروهی از مهاجران و انصار مؤمن هم

به هر مناسبت از این حق مسلم دفاع کردند. چنانکه وقتی حضرت علی (ع) بر استر رسول خدا (ص) سوار بود، سلمان از جا برخاست و فریاد زد: «الأتقومون تأخذون بِحُجْرَتِهِ، تسألونه...؟ آیا از جا بر نمی‌خیزید و دامن او را بگیرید و از او سؤال کنید؟ سوگند به خدایی که دانه را می‌شکافد و انسان را از نطفه می‌آفریند، کسی غیر از وی وجود ندارد که شما را به راه و رسم پیامبرتان آگاه سازد. عالم ربانی در روی کره‌ی زمین فقط اوست و دل‌ها با پناه بردن به او آرامش می‌گیرد. آری، اگر علی (ع) را از دست دادید، علم و دانش انسانی را از دست داده‌اید و انسانیت را به فراموشی سپرده‌اید» (صدوق، ۱۳۹۰: ۵۴۹) (مفید، ۱۴۱۳: ۱۴۱: ۴۰۵).

همچنین او در نزد مردم همواره از اخوت امام علی (ع) با پیامبر اکرم (ص) و وصایت و ولایت ایشان یاد می‌کرد و بر آن گواهی می‌داد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۲: ۳۱۸). او همچنین دائماً اعتقاد خود را با حدیثی از حضرت رسول (ص) برای مردم شرح می‌داد که قطعاً علی (ع) دری است که خداوند گشوده؛ هر کس به آن وارد شود، مؤمن است و هر کس از آن خارج شود، کافر گردیده (امین، ۱۴۰۶: ۱۴۰: ۲۸۷).

۵-۳-۳. صبوری در ولایت

امام باقر (ع) فرمود: «وقتی امیرالمؤمنین علی (ع) را درحالی که ریسمان به گردن او بود به طرف مسجد می‌بردند، ابوذر سخت به خشم آمده بود. یک دست خود را روی دست دیگر می‌زد و می‌گفت ای کاش این شمشیرهایی که در جنگ‌ها به دست ما بود، اکنون هم در دست ما قرار داشت» اما سلمان گفت: «مولای من، به آنچه بدان گرفتار است، آگاه‌تر است و تکلیف خود را بهتر می‌داند» (مجلسی، ج ۲۲: ۳۵۲) که این روایت نشان از صبوری و اطاعت سلمان در ولایتمداری دارد.

۵-۳-۴. سخنوری و عدم ترس در دفاع از ولایت

پنج روز از رحلت رسول خدا (ع) می‌گذشت و ابوبکر بر منبر سخن می‌گفت. گروه دوازده نفری که شش نفر از مهاجرین و شش نفر از انصار بودند، با هم قرار گذاشته بودند سفارش‌های پیامبر (ص) را در مورد امامت حضرت علی (ع) در مسجد بیان کنند و اعتراض خود را به بیعت انجام‌شده اعلام کنند. سلمان فارسی بدون هیچ

واهمه سخنرانی عمیق و متینی ایراد کرد. سخنان پیامبر (ص) در مورد فضایل و مناقب حضرت علی (ع) را به یاد حاضران آورد (مدنی شیرازی، ۱۳۹۷).

۵-۳-۵. مطیع ولایت

هنگامی که امیرالمؤمنین علی (ع) را، پس از ۷۵ روز یا شش ماه بعد از شهادت حضرت فاطمه (س) (یعقوبی، ج ۲: ۱۱۵ و مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۳۰۱)، دست‌بسته برای بیعت به مسجد بردند، درحالی که دست مبارک خود را دراز کرده و به آسمان بلند کردند و به خداوند شکایت می‌بردند، ابوبکر دست‌به‌دست آن حضرت گذاشت و بدین ترتیب بیعتی صورت گرفت (لسان الملک سپهر، ۱۳۸۴). اما سلمان ابتدا زیر بار بیعت نمی‌رفت؛ اما وقتی حضرت علی (ع) بنا به مصلحت ایشان را توصیه به بیعت کردند، سلمان دست چپ خود را جلو برد و گفت: «چون با دست راست با علی (ع) در زمان رسول خدا (ص) بیعت کرده‌ام، با آن دست با دیگری بیعت نخواهم کرد. اکنون این دست چپ من در اختیار شماست و خدا هم این سلطنت را بر شما مبارک نگرداند» (نوری طبرسی، ۱۴۱۱ ه.ق: ۵۸۵-۵۸۴).

همچنین نمونه دیگری از تبعیت حضرت سلمان از امیر مؤمنان (ع) را می‌توان در این روایت ملاحظه کرد. گویند عمرین خطاب روزی به حضرت سلمان گفت: بنی‌هاشم به این دلیل که نسبتی با پیامبر داشتند و ادعا دارند بهترین مردم‌اند، با ابوبکر بیعت نکردند؛ اما تو چرا بیعت را رد کردی؟ سلمان پاسخ داد: من شیعه‌ی آنان هستم. وقتی روی می‌گردانند، من هم از بیعت روی گردان می‌شوم و وقتی بیعت کنند، من هم بیعت می‌کنم (نوری طبرسی، ۱۴۱۱ ه.ق: ۵۸۷).

سلمان فارسی به‌عنوان یکی از یاران برجسته پیامبر اسلام (ص)، با بصیرت و وفاداری خاص خود، در دوران پرچالش پس از وفات پیامبر (ص) همواره در مسیر دفاع از ولایت و امامت حضرت علی (ع) ایستادگی کرد. او توانست در برابر فشارهای سیاسی و اجتماعی زمانه، حقانیت امامت را تبیین و از آن دفاع کند. این رویکرد نشان می‌دهد که بینش عمیق سیاسی و ولایی، نیازمند شناخت دقیق از امام زمان و استقامت در برابر ناملازمات جامعه است.

۵-۳-۶. اعتبار سلمان نزد رسول خدا (ع) و امیرالمؤمنین (ع)

سلمان فارسی نزد امیرالمؤمنین و پیامبر دارای شأن و جایگاه ویژه‌ای بوده و مورد وثوق و اعتماد بوده است. تا حدی که از جمله معدود کسانی بوده است که در تدفین شبانه و مخفیانه حضرت زهرا (س) حضور داشته‌اند (قتال نیشابوری، ۱۳۸۱ ه.ق، ج ۲: ۳۴۹ و مجلسی، ج ۴۳: ۱۹۳-۱۹۲). همچنین رسول اعظم (ص) درباره او فرموده‌اند: او مورد اعتماد من و امین و پرهیزکار و پارساست و نسبت به فرستاده خدا و مؤمنان خیرخواه است. سلمان از ما اهل بیت است (انصاری، ۱۴۱۲ ه.ق، ج ۱: ۲۳۲).

۵-۴. بعد اخلاقی جناب سلمان

اخلاق در معنای عرفی یعنی لایه‌ای از رفتار انسان که در رفتار با دیگران پدیدار می‌شود. اخلاق از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است، بدان اندازه که پیامبر اسلام فرمودند: «انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» (علامه مجلسی، ج ۶۸: ۳۸۲) هیچ دینی مثل دین اسلام، از لحاظ آموزه‌های اخلاقی، از غنا برخوردار نیست. سلمان فارسی نیز با تهذیب و تربیت نفس در سایه بزرگان دین توانست به مراتب والای اخلاقی دست پیدا کند. در روایتی آمده که شخصی از سلمان تقاضا کرد تا او را راهنمایی کند که چه خصلت‌هایی را به کار گیرد تا موجب تقویت روابط میان خلق و خدا گردد؟ جناب سلمان سفارش کرد: «سلام را گسترش دهید، نیازمندان را اطعام کنید و آنگاه که مردم در خواب به سر می‌برند، به نماز شب و راز و نیاز با خداوند برخیزید.» و به کسی که توفیق نماز شب نداشت، فرمودند: «در روز گناه و نافرمانی خداوند را انجام مده.» در جایی دیگر زمخشری می‌نویسد شخصی به جناب سلمان گفت: فلانی برای تو سلام رساند. سلمان گفت: «اگر سلام را نرسانده بودی، امانتی بر عهده‌ی تو می‌ماند که آن را ادا نکرده بودی» (زمخشری، ۱۴۱۲ ه.ق). اما نمونه‌هایی از رعایت اخلاق توسط حضرت سلمان در تاریخ نقل شده است که برخی از آن موارد اشاره می‌شود:

۵-۴-۱. زهد و ساده زیستی

در تاریخ آمده هنگامی که ابودرداء به سمت قضاوت در شام گماشته شد، نامه‌ای به حضرت سلمان نوشت و در آن نامه صراحتاً از اوضاع مالی مطلوب خود گفت.

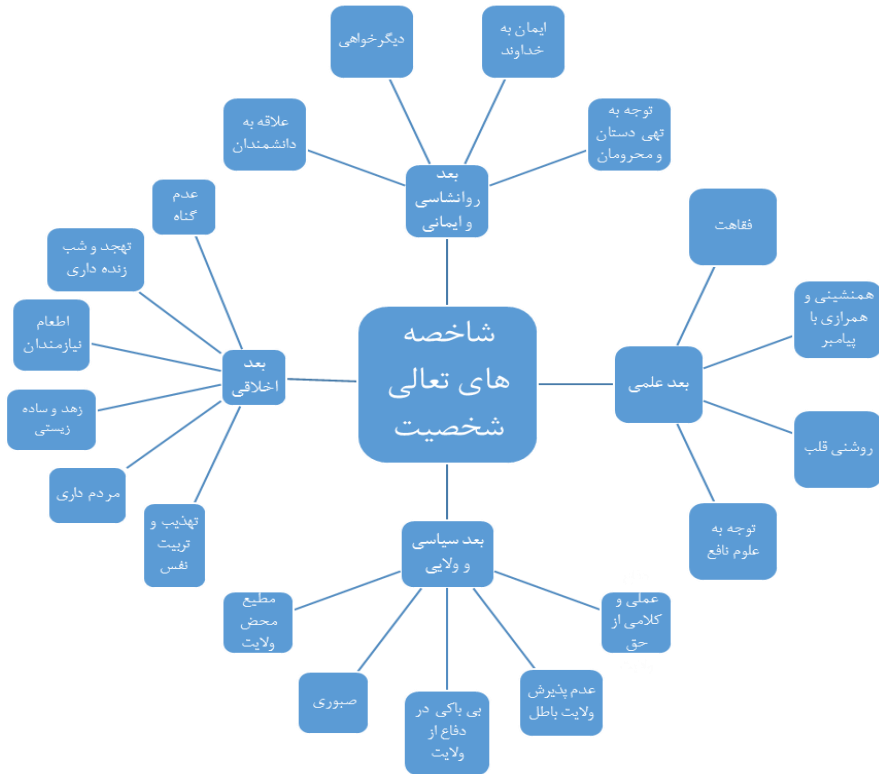
حضرت سلمان در پاسخ برای او چنین نگاشت: «برای من نوشته‌ای که خداوند ثروت و فرزند به تو بخشیده اما بدان که سعادت در افزایش ثروت و فرزند نیست بلکه سعادت در افزایش بردباری است و همچنین در زمانی که علم سودمندی داشته باشی. خودت را آماده مرگ کن چنان‌که در حال مرگ هستی و باید از دنیا بروی» (ابن اثیر، ۱۴۳۳ ه.ق، ج ۲: ۲۶۸).

همچنین نقل شده است که حضرت سلمان، در مدائن برای خود منزل شخصی نداشت و فقط زمانی که یکی از دوستان برای ساخت خانه به ایشان اصرار کرد، آن را پذیرفت به این شرط که خانه بسیار کوچک باشد به قدری که سر سلمان در آن به سقف می‌خورد و هنگام خوابیدن پاهای ایشان به دیوار می‌رسید (شوشتری، ۱۳۹۸، ج ۴: ۴۲۵). به علاوه نقل کرده‌اند که در دوره امارت او بر مدائن که حدود دو دهه به طول انجامید، لباس او در نهایت سادگی بود و غذای او نان خشک و آب و نمک بود. منبع درآمد او نیز زنبیل بافی بوده است (ابن عبدالبر، ۱۴۱۵ ق، ج ۲: ۱۹۶) و حقوق حکومتی و دولتی خود را که نزدیک به سالیانه حدود پنج هزار درهم بوده، به فقرا می‌بخشید (ابن جوزی، ۱۴۰۶ ق، ج ۱: ۵۳۸). باینکه او والی مدائن بوده است اما آورده‌اند که رختخواب او عبایی بود که نیم آن را زیر و نصف دیگر را روی خود می‌انداخت (صادقی اردستانی، ۱۳۷۶: ۱۷۲).

۵-۴-۲. مردم‌داری

نقل شده در تاریخ که مردی از قبیله بنی تمیم درحالی که مشغول حمل بار کاه بود خسته شده و از جناب سلمان که در آن محل بود خواسته بود تا بار او را به دوش بگیرد و به منزل برساند. سلمان نیز به او کمک کرده و خواسته‌اش را پذیرفته بود. زمانی که مرد در بین راه متوجه شد که سلمان، والی مدائن است، از کار خود شرم‌منده شد و از ایشان عذرخواهی کرد و از او خواست تا بار را از او بگیرد؛ اما سلمان قبول نکرد و بار را تا مقصد برای آن مرد رساند (ابن جوزی، ۱۴۰۶ ق، ج ۱: ۲۱۰). همچنین در زمینه مردم‌داری جناب سلمان، غزالی نوشته است که رسیدگی به امور مسلمانان برای ایشان اهمیتی ویژه داشت به طوری که رسیدگی به امورات مردم را بر نمازهای مستحبی ارجحیت و اولویت می‌داد (غزالی، ۱۳۶۱: ۲۲۳).

در پایان ضمن ارائه الگوی رشد و تعالی شخصیت انسان بر اساس زندگی جناب سلمان فارسی در ابعاد مختلف (شکل ۱) می‌توان نتیجه گرفت که مبنای تمامی موارد مذکور در جوامع اسلامی ترکیبی از تهذیب نفس، حقیقت‌جویی، تربیت دینی، روابط اجتماعی سالم و ارتباط معنوی با خداوند است که می‌تواند منجر به رشد و تعالی شخصیت انسان شود.



شکل شماره ۱: الگوی رشد و تعالی شخصیت انسان بر اساس زندگی سلمان فارسی

نتیجه‌گیری:

همان‌گونه که در آیات مختلفی از قرآن کریم به آموزنده بودن تاریخ و مطالعه آن اشاره شده است، ضروری است که تاریخ با نگرش آموزنده مطالعه گردد؛ چراکه محدود به زمانی خاص نبوده، قابل‌تعمیم، استفاده و الگوبرداری در زمان حاضر نیز می‌باشد. به همین منظور می‌توان با الگوگیری از زندگی بزرگان دین، شاخصه‌های اصلی در رشد و تعالی را آموخت و در زندگی بکار بست. به همین منظور لازم است که جناب سلمان به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین الگوهای غیر معصوم بشری که توانسته خود را تا حدی برساند که به تعبیر معصومین (ع) از اهل بیت شناخته شود، مورد مطالعه و الگوگیری واقع شود.

در این پژوهش با بررسی ساحات مختلف وجودی جناب سلمان و مستند به روایات و متون تاریخی، برخی اوصاف شاخص ایشان کشف و احصاء شده است. این ویژگی‌ها در چهار دسته کلی ویژگی‌های ایمانی، علمی، سیاسی و اخلاقی دسته‌بندی شده‌اند که هر یک از این دسته‌ها، اوصافی از جناب سلمان را شامل می‌شوند که قابلیت الگوبرداری دارند و بخشی از دلایل رشد و تعالی والای ایشان را نشان می‌دهند؛ اما آنچه در تمامی روایات نمود ویژه و خاص دارد، تزکیه و پاکی نفس جناب سلمان و توجه و فداکاری در راه ولایت حضرات معصومین (ع) به‌منزله رأس ایمان جناب سلمان است که موجب شکل‌گیری و تثبیت دیگر اوصاف حسنه ایشان می‌باشد. ولایت حضرات معصومین (ع) که به‌منزله پایه و رکن اصلی ایمان شناخته می‌شود^۱، در تک‌تک اعمال و نیات حضرت سلمان قابل‌مشاهده و رؤیت است چنان‌که از مجرای هزار و اندی سال تاریخ پر فراز و فرود نیز می‌درخشد. لذا در کنار تمام اوصاف ایشان که می‌تواند به‌عنوان الگوی تعالی و رشد موردعنایت قرار گیرد، ولایت‌پذیری و اطاعت محض از حضرات معصومین جایگاهی ویژه و کلیدی دارد چنان‌که در تمامی ویژگی‌ها و اعمال دیگر حضرت سلمان نیز خود را نشان می‌دهد.

۱. عن الإمام الباقر عليه السلام: بُني الإسلام على خمسة أشياء: على الصلاة، والزكاة، والحج، والصوم، والولاية والولاية أفضل؛ لأنها مفتحهن، والوالي هو الدليل عليهن (الكافي: ج ۲: ۱۸)

منابع

۱. ابن ابی الحدید. (۱۴۰۱). شرح نهج البلاغه. تهران: کتاب نیستان.
۲. ابن الأثیر. (۱۳۶۸). اسدالغابه. بیروت: دارالفکر.
۳. الاصبهانی، ا. (۱۳۸۷). حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء. قم: دار الکتب العلمیة.
۴. امین ناجی، م. (۱۳۹۶). انگیزه‌های رشد و تعالی انسان از دیدگاه قرآن و روان‌شناسی. پایان‌نامه.
۵. آربورن، ب. & همکاران. (۱۳۹۲). کتاب چگونه زندگی‌نامه بنویسیم؟ تهران: سوره مهر.
۶. آیت‌الله خامنه‌ای. (۱۴۰۲، ۱۱ ۱۶). عوام و خواص. Retrieved from <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1036>
۷. باطنی، س. & همکاران. (۱۴۰۱). مبانی تربیت و تعالی انسان در گفت‌وگو با حسین. فصلنامه علمی-پژوهشی سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، ۲۹ - ۴۱.
۸. بصیری، ح. & شفیع، س. (۱۳۹۱). بررسی تحلیلی حدیث «سلمان منا اهل‌البیت». حدیث پژوهی، ۱۶۳ - ۲۱۰.
۹. جعفرزاده، م. (۱۴۰۰). عوامل رشد و تکامل انسان از دیدگاه قرآن و حدیث. ششمین کنفرانس ملی و نوآوری و تحقیق در علوم انسانی و آموزش و پرورش، ۱ - ۵۵.
۱۰. جوادی آملی، ع. (۱۳۸۵). تسنیم؛ تفسیر قرآن کریم. قم: انتشارات اسرا.
۱۱. جهان‌پرور، م. (۱۴۰۰، ۰۱ ۲۹). جامعه اسلامی، معیارها و شاخصه‌ها. Retrieved from <https://iiict.ac.ir/1400/01/jamejahan>: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
۱۲. حاتمی، ع. & حاتمی، ف. (۱۴۰۲). پیشگامان تشیع علوی (مطالعه موردی: سلمان فارسی یا روزبه ایرانی). پنجمین کنفرانس ملی مدیریت، اقتصاد و علوم اسلامی، ۲۵۵ - ۲۶۲.
۱۳. خارستانی، ا. & سیفی، ف. (۱۳۹۳). جایگاه ولایت‌پذیری و ولایت‌مداری در اسلام و عوامل مؤثر بر تحکیم آن مبتنی بر قرآن کریم و روایات معصومین (ع). سراج منیر، ۸۵ - ۱۰۵.
۱۴. الخوارزمی الزمخشری، م. (۱۴۱۲ ه.ق.). ربیع الأبرار و نصوص الأخیار. بیروت: الاعلمی للمطبوعات.
۱۵. دانایی‌فرد، ح. الوانی، س. & آذر، ع. (۱۳۸۳). روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع. تهران: صفار اشراقی.
۱۶. دهسار، س. (۱۴۰۰، ۰۸ ۰۳). سه ویژگی مهم جامعه‌ی اسلامی در کلام امام صادق (ع). Retrieved from <https://btid.org/fa/news/168671> اندیشه برتر:
۱۷. رسولیان، ع. & همکاران. (۱۳۹۹). عوامل و موانع فردی رشد و تعالی انسان از منظر قرآن و روایات. سومین همایش ملی پژوهش‌های قرآنی، ۱ - ۱۶.

۱۸. سید رضی. (۹۸۴). نهج البلاغه. عراق.
۱۹. شعاری نژاد، ع. (۱۳۹۲). روانشناسی رشد. تهران: اطلاعات.
۲۰. شیخ صدوق. (۱۳۹۰). امالی. تهران: کتابچی.
۲۱. شیخ عباس قمی. (۱۳۹۳). سفینه البحار. تهران: نوید اسلام.
۲۲. شیخ مفید. (۱۴۱۳ ه.ق.). الاختصاص. قم: المؤتمر العالمي لالفیه الشیخ المفید.
۲۳. صفوی، س. & همکاران. (۱۳۹۶). بنیان‌های رشد آدمی بر مبنای سخنان امام علی علیه‌السلام. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۹۱ - ۱۱۴.
۲۴. طبرسی، ا. (۱۳۹۳). احتجاج طبرسی. تهران: برگا.
۲۵. طبرسی، م. (۱۴۱۱ ه.ق.). نفس الرحمن فی فضائل سلمان. قم: تهذیب.
۲۶. علامه امینی. (۱۳۹۹). الغدیر. تهران: بنیاد بعثت.
۲۷. علامه مجلسی. (۱۲۴۸ ه.ق.). بحارالانوار. تهران.
۲۸. علی العلیاری التبریزی. (۱۳۷۱). بهجة الامال. تهران: بنیاد فرهنگ اسلامی کوشان پور.
۲۹. قرآن کریم، احزاب، ۳۳. (n.d).
۳۰. کمره‌ای، خ. (۱۳۵۱). فتاوی صحابی کبیر سلمان فارسی رضی‌الله عنه. تهران: چاپخانه اسلامیة.
۳۱. کیانی ده‌کیانی، ف. (۱۴۰۱). رشد معنوی انسان از منظر قرآن و حدیث. دومین کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت، ۱-۱۳.
۳۲. لسان‌الملک سپهر، م. (۱۳۸۴). ناسخ‌التواریخ: تاریخ‌الخلفا. تهران: اسلامیة.
۳۳. محقر، ع. & همکاران. (۱۴۰۰). تبیین‌الگوی رشد کیفی انسان. مطالعات مدیریت راهبردی، ۲۲۵ - ۲۴۸.
۳۴. محقق فیروزآبادی. (۱۳۸۷). فضائل‌الخمسة. تهران: مجمع جهانی اهل‌بیت علیهم‌السلام.
۳۵. محمد بن جریر طبری. (۱۳۵۲). تاریخ طبری (تاریخ الامم و الملوک). تهران: بنیاد فرهنگ زندگی.
۳۶. محمد بن عمر کشی. (۱۴۰۰). رجال کشی. تهران: آماره.
۳۷. محیی‌الدین ابن عربی. (۱۴۰۲). تدبیرات‌الهیه. تهران: مولی.
۳۸. مدنی شیرازی، س. (۱۳۹۷). الدرجات‌الرفیعه. قم: مؤسسه الوفا.
۳۹. ملائی‌توانی، ع. (۱۳۹۰). اصول و مبانی سرگذشت‌نگاری: ملاحظاتی درباره‌ی روش‌شناسی زندگی‌نامه‌نویسی. فصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهرا (س)، ۱۴۱ - ۱۶۵.

۴۰. مهدی دخت، ا. (۱۴۰۲). تبیین مؤلفه‌های مؤثر در رشد و تعالی انسان از منظر صحیفه سجادیه. دو فصلنامه آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث، ۱ - ۲۵.
۴۱. میری، س. & خادمی افضل، ف. (۱۳۹۷). بررسی و نقد دیدگاه آبراهام مزلو در مورد خودشکوفایی با تأکید بر منابع اسلامی. مطالعات تطبیقی قرآن پژوهی، ۵۷ - ۷۸.
۴۲. نوروزی، ر. & کوهی اصفهانی، ه. (۱۳۹۲). بررسی و تبیین مفهوم «انسان متعالی» از منظر قرآن کریم. پژوهشنامه معارف قرآنی، ۱۰۱ - ۱۳۰.

43. Denzin, N. (1989). *Interpretive biography*. Thousand Oaks, USA: Sage Publications.
44. Haque, A. (2018). *Psychology from an Islamic Perspective*. *Global Psychologies*, 137 - 150.
45. Özkan, F. (2020). *Human Nature in Plato's Philosophy*. *Entelekyia Logico-Metaphysical Review*, 155 - 172.
46. Roberts, B. (2002). *Biographical research*. London: Open University Press.